

سیاست‌های جدید تعرفه‌های آمریکابر صنعت فولاد جهان تأثیر گذار است

دومینوی تعرفه‌ای در صنعت فولاد آمریکا



مدیر فروش فولاد هرمزگان:
افزایش فروش و تداوم صادرات مستلزم تقویت نگاه حمایتی است
مدیر فروش شرکت فولاد هرمزگان با اشاره به تداوم چهار ساله کسب عنوان صادرکننده نمونه استان توسط فولاد هرمزگان گفت: افزایش فروش و تداوم صادرات مستلزم تقویت نگاه حمایتی است.

مهدی شکر یزاده با بیان اینکه این شرکت موفق گردید برای چهارمین سال متوالی، عنوان صادرکننده برتر استان هرمزگان را کسب نماید اظهار داشت: در سال ۹۶ حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن صادرات محصول داشتیم که نسبت به سال ۹۵، ۱۰ درصد افزایش داشته است.

وی در ادامه افزود: نکته مهم این است که تقریباً ۷۰ درصد برنامه فروش محصولات فولاد هرمزگان برای صادرات تعیین شده است و به خاطر موقعیت جغرافیایی که شرکت فولاد هرمزگان در کشور دارد، سعی شده تا در بخش صادرات فروش حداکثری داشته باشد.

مدیر فروش فولاد هرمزگان با بیان اینکه، استراتژی شرکت فولاد هرمزگان حضور موثر در بازارهای صادراتی است بیان داشت: در سال ۹۷ نیز برنامه‌های صادرات را حفظ خواهیم کرد، چرا که نگاه شرکت فولاد هرمزگان، نگاهی صادرات محور است. شکر یزاده، هدف گذاری شرکت فولاد هرمزگان را برای تامین نیاز بازار داخلی به گریدهای خاص و تمایز در ابعاد اشاره داشت و گفت: تامین نیاز بازارهای داخلی به ویژه تولید محصولات دارای ارزش افزوده بالا، مطابق با توان فولاد هرمزگان جزء اولویت‌های اصلی این شرکت است. وی در بخش دیگری از سخنان خود، فروش موفق را در گرو مطالعات، تحقیقات و شناسایی بازارهای مناسب دانست و افزود: در شرکت فولاد هرمزگان با مطالعات صورت گرفته در بازارهای هدف صادراتی توانسته فروش قابل توجهی به کشورهای اروپا، آمریکای جنوبی، شمال آفریقا و همچنین شبه قاره هند و جنوب شرق آسیا داشته باشد. مدیر فروش شرکت فولاد هرمزگان در ادامه و به تمایز محصولات فولاد هرمزگان را نسبت به سایر شرکت‌ها از لحاظ کیفی و ابعاد عنوان کرد و بیان داشت: این توانایی را داریم تا به عنوان پیشرفته‌ترین کارخانه فولاد کشور، محصول اسلب تاعرض ۲۰۰۰ میلیمتر را تولید و به بازارهای مصرف عرضه کنیم که در خاورمیانه بی نظیر است. شکر یزاده با اشاره به حضور موفق چندساله در بازارهای صادراتی و حفظ برند فولاد هرمزگان در بازارهای جهانی گفت: اسلب هرمزگان به عنوان یک محصول شناخته شده در بازارهای جهانی رضایت مشتری را جلب کرده است.

وی با بیان اینکه پیامد تحریم‌ها تاحدودی تأثیر در صادرات شرکت داشته است افزود: با اینحال طبق مطالعات صورت گرفته در راستای حفظ و توسعه بازارها، در قالب سناریوهای، سعی کرده‌ایم تا تأثیر تحریم‌ها را به حداقل برسانیم اما لازم است دولت با بسته‌های حمایتی از صادرکنندگان در صنعت فولاد پشتیبانی کند. شکر یزاده، مهمترین میحث مورد توجه شرکت‌های صادرکننده رانگاه اقتصادی دانست و بیان داشت: شرکت فولاد هرمزگان با استفاده از این نگاه، توانسته موفقیت‌های زیادی را کسب نماید.

تحلیل آماری واردات فولاد ترکیه

طی ۱۰ سال گذشته، ترکیه یکی از کشورهای مهم برای تجارت محصولات فولادی بوده است و نهمین واردکننده بزرگ فولاد نیز در جهان است. ترکیه در سال ۲۰۱۷ به مقدار ۴/۱۳ میلیون تن واردات فولاد داشته و نسبت به سال ۲۰۱۶ که حجم وارداتش ۴/۱۵ میلیون تن بود، ۱۳ درصد کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که ارزش واردات فولاد ترکیه در سال ۲۰۱۷ با افزایش ۱۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۶ از ۸ میلیارد دلار به ۹ میلیارد دلار رسیده است. تولید فولاد خام ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ از ۱۳ میلیارد دلار به ۵/۲۷ میلیون تن رسید. در سال ۲۰۰۹ اختلاف حجم تولید و مصرف ظاهری فولاد در ترکیه ۱/۷ میلیون تن (۲۸ درصد تولید بیشتر) بود که در طی هفت سال بعد از آن این اختلاف به طور پیوسته در حال کاهش بوده است.

در بین کشورهای بزرگ صادرکننده فولاد به ترکیه، در سال ۲۰۱۷ روسیه و اکراین و رومانی بیشترین میزان صادرات خود را به ترکیه عرضه کردند که سهم روسیه به مراتب بیشتر است. حجم واردات ترکیه در سال ۲۰۱۷ کمتر از نیمی از واردات ایالات متحده به عنوان بزرگترین واردکننده فولاد جهان بود.

در گزارش پیشین با عنوان «ترامپ روی چاقوی دولبه تعرفه» به بررسی واقعیت‌ها و پیش‌زمینه‌های تصمیم ترامپ مبنی بر بالا بردن تعرفه واردات فولاد به ۲۵ درصد پرداختیم. در آن گزارش با استناد به آمار و ارقام تولید و مصرف فولاد در آمریکا از کاهش حجم تولید فولاد خام در آمریکا، کاهش ظرفیت تولید و حذف واحدهای قدیمی تر و البته در کنار آن از کاهش درصد استفاده از ظرفیت‌های نصب شده سخن گفتیم. در کنار این موارد از افزایش روز شمار تقاضای فولاد داخلی آمریکا و رشد روزافزون واردات نیز سخن به میان آمده است. با توجه به این موارد می‌توان نتیجه گرفت که با فرض رشد تقاضای داخلی و کاهش مستمر حجم تولید فولاد خام به نسبت سال‌های گذشته و همچنین عدم رشد ظرفیت تولید در این کشور، آمریکا راهی جز سنگین‌تری بر واردات و حمایت از تولید داخلی نداشته و نگرانی از تکانه‌های رشد قیمتی در بازارهای جهانی، همان گونه که هم‌اکنون نیز شاهد این جرقه‌های قیمتی هستیم، می‌تواند بر امنیت صنعتی در کشور آمریکا تأثیر گذار باشد؛ رخدادی که در تیرماه سال جاری به آن اشاره کردیم و این پیش‌بینی هم‌اکنون محقق شده است.

همین موارد نشان دهنده آن است که رشد تعرفه واردات به دلیل حمایت از صنعت فولاد در آمریکا غیرمنتظره نبوده و حتی نیاز به آن داشت تا توجه بیشتری بر آن صورت بگیرد. همین نکته در کنار آمار و ارقام فعلی و رخدادهای جدیدی که در بازارها و صنعت فولاد در اقصی نقاط جهان در حال وقوع است توجه به آینده پژوهی در صنعت فولاد و بخش‌های مختلف اقتصاد جهانی را بر جسته تر می‌سازد؛ مخصوصاً در شرایطی که گوئی در دور تند تاریخ قرار گرفته‌ایم و رخدادهای متفاوت در بخش‌های سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً اقتصادی با سرعت بالاتر از انتظار در حال خودنمایی هستند. این موارد اگر چه مورد توجه و اشاره قرار گرفته است ولی به نظر می‌رسد که تأکید مجدد بر آن با فرض اهمیت و تأثیر گذاری آنها حداقل در فضای رسانه‌ای را باید به عنوان یک اصل مورد توجه قرار داد. اهمیت این نکته از آن جهت بر جسته تر است که بر نامه‌ریزی‌های

داخلی در کشورمان برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد خام به بازار صادراتی حداقل ۱۵ میلیون تنی نیاز دارد و سساده‌ترین خروجی آن می‌تواند تنوع در تولیدات به شمار آید تا بتوان از حداقل‌ها در بازارهای جهانی هم بهره برد. در کنار آن نیاز به تولید با انعطاف پذیری بالا و توان تغییر فاز سریع (با فرض تفاوت‌های فنی) همگام با نیازهای بازار نیز اصلی دیگر در مسیر تقویت توان بازار یابی کشورمان خواهد بود. **رشد روزافزون تقاضای آمریکا**

تصمیم بر افزایش تعرفه فولاد در آمریکا یک ضرورت برای صنعت فولاد و صنایع مصرف‌کننده آن بوده است تا بتوانند امنیت صنعتی در این کشور را برای دوره‌های طولانی حفظ کنند. تقاضای فولاد در آمریکا همه ساله افزایش یافته است. در خلال سال‌های اخیر متوسط رشد تقاضای داخلی فولاد در آمریکا سالانه رقمی نزدیک به ۶۰۰ هزار تن بوده ولی با توجه به سیاست‌های اقتصادی ترامپ این رقم احتمالاً به رشد یک میلیون تنی در سال دست می‌یابد. این در حالی است که وقوع توفان‌های بزرگ مخصوصاً در مناطق جنوبی و نزدیک به اقیانوس افزایش یافته و احتمالاً گرم‌شدن زمین به افزایش وقوع این قبیل مخاطرات طبیعی کمک خواهد کرد. این شرایط نیز به معنی آن است که تقاضا برای فولاد و حتی آلومینیوم در آمریکا افزایش یافته و تامین آن شاید در آینده به یکی از دشواری‌های دولت آمریکا بدل شود که در نهایت حمایت از صنعت فولاد در اقصی نقاط جهان در سال ۲۰۱۶ میلادی ۱۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تن بود که این رقم در سال ۲۰۱۷ با ۱۷/۸ میلیون درصد رشد به بیش از ۱۵ میلیون تن رسید. این در حالی است که حجم واردات فولاد به آمریکا در سال ۲۰۱۷ به حدود ۲۶ میلیون تن رسیده است. از سوی دیگر با توجه به رشد اقتصادی در آمریکا و افزایش حجم تولید صنعتی این کشور احتمال رشد بیشتر تولید و صادرات قراضه فولادی منطقی به نظر می‌رسد. به صورت دقیق تر و با فرض عدم لحاظ تصمیم ترامپ؛ آمریکا در آینده‌ای نه چندان دور، رقمی نزدیک به نیمی از واردات فولاد مورد نیاز خود را به صورت صادرات قراضه

از هم‌اکنون باید منتظر چند تغییر در بازار و صنعت فولاد آمریکا باشیم. در ابتدا حجم تولید در واحدهای موجود در کوره‌های قوس و یا کوره‌بلند افزایش یافته، جرقه‌های رشد قیمتی بیشتری مشاهده شده و در صد استفاده از ظرفیت‌های نصب شده افزایش می‌یابد

تغییرات اقتصاد سیاسی با کارت فولاد

با توجه به این شرایط از هم‌اکنون باید منتظر چند تغییر در بازار و صنعت فولاد آمریکا باشیم. در ابتدا حجم تولید در واحدهای موجود در کوره‌های قوس و یا کوره‌بلند افزایش یافته، جرقه‌های رشد قیمتی بیشتری مشاهده شده و درصد استفاده از ظرفیت‌های نصب شده افزایش می‌یابد. پس از این فاز حجم سرمایه‌گذاری‌ها بر واحدهای قوس تقویت شده و شاهد سرعت در اجرای پروژه‌های موجود خواهیم بود و همچنین افزایش ظرفیت تولید در واحدهای موجود سرعت خواهد گرفت. این فاز به معنی افزایش تقاضای قراضه است و هیچ دلیلی وجود نخواهد داشت که آمریکا بر صادرات قراضه تعرفه وضع نکند. این در حالی است که حجم تقاضای داخلی فولاد در آمریکا و رشد آن بیش از حجم تولید قراضه این کشور است و این نکته به معنی آن خواهد بود که تا چندی دیگر آمریکا ممکن است به یک واردکننده آهن اسفنجی بدل شود. همین نکته ساده می‌تواند زمینه‌های تجاری جدیدی را در جهان ایجاد کند که ممکن است به ارتباطات تجاری کم‌سابقه‌ای نیز منتهی شود. به جرات می‌توان گفت که تنها ایران است که در جهان پتانسیل تولید گسترده و صادرات آهن اسفنجی را در اختیار دارد، مخصوصاً در شرایطی که هند به تولیدات داخلی خود بیش از صادرات نیازمند بوده و فرآیند تولید در کشورهای عربی نیز آن قدر بزرگ و گسترده نیست که بتواند زمینه‌های همکاری طولانی مدت را به همراه داشته باشد. شاید این شیوه تولید، این مسیر را نمی‌توان راه‌حل مشکلات تولیدی در بخش فولاد آمریکا به شمار آورد. این در حالی است که افزایش استفاده از ظرفیت‌های نصب شده در صنعت فولاد آمریکا خود به معنی افزایش تقاضای زغال سنگ و سنگ آهن بوده که برای این بخش‌های معدنی یک موفقیت مهم محسوب شده و می‌تواند به مزیت‌های جدیدی در حوزه مقیاس تولید و افزایش قیمت و رشد تقاضای موثر منجر شود. این موضوع نیز با وعده‌های انتخاباتی ترامپ مبنی بر حمایت از صنایع فولاد و زغال سنگ این کشور همخوانی دارد.

فولاد خالص استحصال شده است. در سال ۲۰۱۶ اما حجم استخراج سنگ آهن این کشور در سال ۲۰۱۶ ۵۵ میلیون تن کاهش به ۴۱ میلیون تن رسیده که از این میزان ۲۶ میلیون تن آهن خالص استخراج شده است. این موارد به صراحت نشان‌دهنده عقب‌نشینی تولید بر پایه زغال سنگ و توجه به تولید در فرآیند قوس الکتریکی است.

در کنار کاهش حجم استخراج سنگ آهن، ذخایر معدنی کافی برای تولید فولاد نیز محدود است. آخرین آمارها حکایت از آن دارد که ذخیره سنگ آهن آمریکا رقمی نزدیک به ۳ میلیارد تن بوده که محتوای آهن آن ۷۹۰ میلیون تن است. به عنوان مثال محتوای ذخیره آهن در معادن سنگ آهن ایران نزدیک به ۱۱۵ میلیارد تن بوده یعنی به صورت بالفعل ایران دو برابر آمریکا ذخیره آهن دارد. این شرایط نشان می‌دهد که چندان هم شرایط جذابی پیش‌روی صنعت فولاد با محوریت کوره بلند وجود نداشته و با توجه به حجم بالا و زمانبر بودن سرمایه‌گذاری در این شیوه تولید، این مسیر را نمی‌توان راه‌حل مشکلات تولیدی در بخش فولاد آمریکا به شمار آورد. این در حالی است که افزایش استفاده از ظرفیت‌های نصب شده در صنعت فولاد آمریکا خود به معنی افزایش تقاضای زغال سنگ و سنگ آهن بوده که برای این بخش‌های معدنی یک موفقیت مهم محسوب شده و می‌تواند به مزیت‌های جدیدی در حوزه مقیاس تولید و افزایش قیمت و رشد تقاضای موثر منجر شود. این موضوع نیز با وعده‌های انتخاباتی ترامپ مبنی بر حمایت از صنایع فولاد و زغال سنگ این کشور همخوانی دارد.

تغییرات فولادی تهدیدات جهانی

تغییر در نرخ تعرفه واردات فولاد به آمریکا اگر چه رخداد مهمی برای این صنعت است ولی در ابعاد تجارت جهانی نمی‌توان وزن این تصمیم را آن قدر بر جسته‌ارز یابی کرد که به این حجم از واکنش‌ها منجر شود.

رشد تعرفه واردات به دلیل حمایت از صنعت فولاد در آمریکا غیرمنتظره نبوده و حتی نیاز به آن داشت تا توجه بیشتری بر آن صورت بگیرد. همین نکته در کنار آمار و ارقام فعلی و رخدادهای جدیدی که در بازارها و صنعت فولاد در اقصی نقاط جهان در حال وقوع است توجه به آینده پژوهی در صنعت فولاد و بخش‌های مختلف اقتصاد جهانی را بر جسته تر می‌سازد

اعتراض یکپارچه اتحادیه اروپا به این تصمیم در کنار بهت‌زدگی مقامات کانادا و مکزیک را می‌توان بخشی از تأثیرات آن به‌شمار آورد اگر چه تازه از هم‌اکنون زمان اقدامات متقابل فرارسیده است.

نمی‌توان به صراحت در خصوص اقدامات متقابل سایر کشورها در برابر آمریکا سخن گفت زیرا رفتار آنها در نهایت با عملگرایی همراه است؛ یعنی بر پایه رخدادهای پیش‌رو تصمیم‌گیری کرده و ممکن است گمانه‌زنی‌ها و اظهار نظرهای فعلی چندان هم با اجرایی شدن همخوانی نداشته باشد.

البته حجم انتقادات از سوی کشورهای مختلف بیش از صنعت فولاد بر پایه تغییر کلی ذهنیت از نظام بازار آزاد به بازارهای منطقه‌ای و بازارهای داخلی منطوف شده، آن هم در شرایطی که هدف اصلی در ساختار اقتصادی آمریکا توجه به اشتغال است و این به معنی تغییراتی بزرگ‌تر در آینده اقتصادی جهان (شاید) به‌شمار می‌رود. به‌صورت دقیق‌تر ذات رقابت و توجه به مزیت‌های نسبی در اقتصاد جهان مدت‌هاست که نهادینه و نظام اقتصاد آزاد، گوئی به‌عنوان مقدسات متفکرین اقتصادی مطرح شده ولی تمامی این موارد هم‌اکنون به تهدیدی جدی همراه شده است.

تهدید پیمان نفتا در بازارهای کالایی نیز به معنی تضعیف ساختار بازار واحد اتحادیه اروپا است، مخصوصاً در زمانی که واقعه برگزیت به وقوع پیوسته و هم‌اکنون شاهد بخش‌های پایانی مذاکرات جدایی هستیم. این موارد در نهایت به معنی آن است که شاکله بازارهای کالایی به‌صورت فعلی آن در حال تغییراتی جدی و بعضاً عظیم خواهد بود و این موارد به معنی توجه بیشتر به مزیت‌های نسبی، تقویت قدرت رقابت، رصد بازارهای منطقه‌ای و حتی بازارهای مغفول در اقصی نقاط جهان بوده و هست.

از سوی دیگر باید چهره آینده جهان در حوزه بازارهای کالایی را بسیار مهم ارزیابی کرد، آن هم در شرایطی که فاصله چندانی تا رقابت‌های تجاری جدید باقی‌نمانده و مشخص نیست این رقابت‌ها از کجا آغاز شده، به کجا سرایت کرده و در نهایت از چه میزان توانمندی و فراگیری برخوردار خواهد بود. به نظر می‌رسد بازارهای جهانی از این پس به یک فاز آینده‌پژوهی توأم با استراتژی بازار همراه شوند زیرا استراتژی با برنامه‌ریزی متفاوت بوده و مهم‌ترین تفاوت آن را باید در انعطاف‌پذیری استراتژی‌ها در دوران معاصر جست‌وجو کرد.